طراحی و سنجش روایی محتوایی برنامه فرزندپروری مثبت برای خانواده‌های کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای

- **علی متقیان**، دانشجوی دکتری، گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
- **کامبیز پوشنه***، استادیار، گروه تربیت و مشاوره، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
- **حمید علیزاده**، استاد، گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران
- **پریسا تجلی**، استادیار، گروه روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

● تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۱/۱۶ ● تاریخ انتشار: خرداد و تیر ۱۴۰۳ ● نوع مقاله: پژوهشی ● صفحات ۲۴ - ۴۲

چکیده

زمینه و هدف: مشکلات کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای تا حد زیادی به رابطه‌ی والد ـ فرزندی ارتباط دارد، لذا در پژوهش حاضر، براساس روش سنتزپژوهی، یک الگوی اجرایی جامع برای آموزش والدین ارائه می‌شود. هدف پژوهش، شناسایی مؤلفه‌ها و عناصر آموزش فرزندپروری مثبت برای خانواده‌های کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای، تدوین برنامه و سنجش روایی محتوایی آن بود.

روش: روش پژوهش، کیفی و از نوع سنتزپژوهی است. جامعه آماری شامل تمامی مقالات و پژوهش‌های مرتبط با فرزندپروری مثبت بود. حجم نمونه تعداد ۹۲ مقاله بود که در سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ منتشر شده بودند. با استفاده از سیاهه‌ی CASPو براساس معیارهای ورود و خروج، ابتدا ۲۷ و سپس بعد از مطالعه‌ی چکیده‌ی اسناد، کیفیت مقالات و میزان مرتبط بودن، تعداد ۱۲ مورد به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد. جهت تحلیل داده‌ها از الگوی شش‌مرحله‌ای پتیکرو و روبرتس (۲۰۰۶) و برای روایی محتوایی از شاخص روایی محتوایی استفاده شد.

یافته‌ها: طبق یافته‌های پژوهش، فرزندپروری مثبت بر ۶ مضمون اصلی شامل: احترام متقابل و برابری، استفاده از پیامدهای طبیعی و منطقی، خودمختاری روانی، انضباط استقرایی، بلوغ و انتظارات بالا و صمیمیت، پذیرش و حساسیت والدین استوار است. روایی محتوایی براساس شاخص روایی محتوایی ۰/۸۶ بود که مبین روایی محتوایی قابل‌قبول برنامه است.

نتیجه‌گیری: باتوجه‌به اینکه، اختلال نافرمانی مقابله‌ای، بیشتر تحت‌تأثیر تعامل فرد با محیط اجتماعی و خصوصاً خانواده می‌باشد و سبک فرزندپروری در بروز اختلال مؤثر است، برنامه طراحی‌شده، می‌تواند برای ارتقای مداخلات موجود و طراحی مداخلات نوین به‌کار رود.

واژه‌های کلیدی: آموزش والدین، اختلال نافرمانی مقابله‌ای، فرزندپروری مثبت، کودکان

* Email: poushaneh@hotmail.com

[Downloaded from exceptionaleducation.ir on 2026-11-24]

مقدمه

اختلال نافرمانی مقابله‌ای[1]، یکی از رفتارهای اخلال‌گرانه[2] است که شامل یک الگوی پایدار از رفتار خصمانه، منفی و منحرف بوده (۱) و با طیف وسیعی از مشکلات روانی-اجتماعی مرتبط است (۲). هرچند که این اختلال هم در کودکان و هم در بزرگسالان قابل تشخیص است، امّا شروع اختلال نافرمانی مقابله‌ای، غالباً قبل از ۸ سالگی می‌باشد (۳). شیوع اختلال نافرمانی مقابله‌ای، در دامنه‌ای از ۱٪ تا ۱۱٪ و میانگین حدود ۳/۳٪ براورد شده است (۴) که شیوع آن در ایران ۳/۶ ٪ گزارش شده است (۵). براساس متن تجدیدنظر شده‌ی پنجمین راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی[3]، این اختلال با داشتن علائم و نشانه‌های عصبانیت / تحریک‌پذیری[4]، جروبحث / رفتار مقابله‌ای[5] و کینه‌توزی / بدجنسی[6]، در این ۳ بُعد جای می‌گیرند و در اغلب موارد، مخل رابطه‌ی کودک با دیگران می‌شود (۶) و می‌تواند مشکلات و ناراحتی‌های قابل توجهی را برای والدین ایجاد کند و بر توانایی‌های تنظیم هیجان آنها تأثیر بگذارد (۷)، لذا جای تعجب نیست که مادران کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای، سطح پایینی از کیفیت زندگی[7] را نشان می‌دهند (۸). گروه‌بندی انجام‌شده براساس علائم و نشانه‌های اختلال، این امکان را می‌دهد که برون‌دادهای رشدی متفاوتی پیش‌بینی شود (۹)، مثلاً بُعد عصبانیت/ تحریک‌پذیری، اختلالات افسردگی را در آینده پیش‌بینی می‌کند و جروبحث و رفتار مقابله‌ای با اختلال نارسایی توجه/ بیش‌فعالی همزمان ارتباط دارد و برای افرادی که در گروه کینه‌توزی/ بدجنسی قرار می‌گیرند، اختلال سلوک در نوجوانی پیش‌بینی می‌شود (۶) و برخی مطالعات، همراهی اختلال نافرمانی مقابله‌ای با سایر مشکلات روان‌شناختی دوران کودکی، مانند اختلال نارسایی توجه/بیش‌فعالی، افسردگی، اضطراب، کنترل‌تکانه و اختلالات مصرف مواد را گزارش کرده‌اند (۵)(۱۰). عوامل خطر در بروز اختلال نافرمانی مقابله‌ای، شامل چندین علت درهم‌تنیده است که یک عامل به‌تنهایی نقش اصلی را ایفا نمی‌کند. مطالعات مختلف، مجموعه‌ای از عوامل ژنتیکی، زیستی، خلقی، شخصیتی و اجتماعی[8] را در بروز این اختلال دخیل می‌دانند (۱۱)، امّا اغلب پژوهش‌ها نشان می‌دهند، اختلال نافرمانی مقابله‌ای بیشتر از محیط خانوادگی تأثیرپذیر است و رفتار مقابله‌ای که در این اختلال رایج است، بیشتر بیانگر این است که اختلال نافرمانی مقابله‌ای بشدت با اختلال در عملکرد خانواده ارتباط دارد (۱۲). در همین راستا و براساس دیدگاه آدلر، مشکلات رفتاری در کودکان با نافرمانی مقابله‌ای در حد بالایی به رابطه والد فرزندی مربوط است (۱۳). از این منظر، اختلال نافرمانی مقابله‌ای، حاصل عوامل زیستی و ژنتیکی نیست، بلکه بیشتر تحت‌تأثیر تعامل فرد با محیط اجتماعی و خصوصاً خانواده می‌باشد (۱۴). در این دیدگاه، انسان در بستری اجتماعی برای رسیدن به اهداف خود تلاش می‌کند و به‌دنبال برخورداری از جایگاه در اجتماع و احساس تعلق[9] است (۱۵) که از طریق ارتباط با اطرافیان جایگاهی از تعلق، به‌دست می‌آید (۱۶). می‌توان گفت افراد از دریچه‌ی این اهداف به زندگی خویش هدف و معنا می‌بخشند (۱۷) و با ایجاد و حفظ احساس تعلق، روشی را برای تعامل با دنیای اطراف خود ایجاد می‌کنند که آدلری‌ها به آن سبک زندگی[10] می‌گویند. تمام این موارد در اولین تجربه‌ی اجتماعی افراد که خانواده است شکل می‌گیرد (۱۶). از سویی، فرزندپروری و نحوه تعامل والدین با کودکان، از مهم‌ترین عوامل در بروز اختلال نافرمانی مقابله‌ای است (۱۸)(۱۹)، لذا رفتارهای والدینی و سبک‌های تربیتی نامناسب، یک پیش‌بینی‌کننده‌ی قوی در افزایش علائم اختلال نافرمانی مقابله‌ای خواهد بود (۲۰). اشتباهات والدین در سال‌های اولیه پرورش کودکان به‌خاطر شکل‌گیری اهداف و سبک زندگی در سال‌های اولیه بسیار تأثیرگذار (۲۱) و پرهزینه خواهد بود و پس از دوران کودکی، نمونه‌های نخستین[11] کودک یا بنیان شخصیت بالغ که در اوایل زندگی شکل می‌گیرد را نمی‌توان با تنبیه یا نصیحت کردن، تغییر داد؛ زیرا تجارب بعدی کودک و اغلب فعالیت‌های او نیز مطابق با منطق شخصی[12] و نمونه‌های نخستین او، ادراک می‌شوند (۲۲). در سبک‌های تعامل والد-کودک که با محرومیت، خودکامگی، آسان‌گیری، پاداش، تقویت‌کننده، جایزه، رقابت و تشویقِ عمل همراه است، می‌توان رفتارهای پرخاشگری، نافرمانی مقابله‌ای و سلوک در کودکان را پیش‌بینی کرد (۲۳) و در مقابل، فرایند صحیح

1. Oppositional defiant disorder
2. Disruptive
3. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, Fifth Edition, Text Revision(DSM-5-TR)
4. Angry or irritable mood
5. Argumentative or defiant behavior
6. Vindictiveness toward others
7. quality of Life
8. Genetic, biological, temperamental, personality & social
9. Belong
10. Lifestyle or style of life
11. Prototype
12. Private logic

[Downloaded from exceptionaleducation.ir on 2026-11-24]

تعامل میان والدین و فرزند، تأثیر سازنده بر همدلی و احساس امنیت در کودکان را داشته (۲۴) و شایستگی اجتماعی بعدی کودکان را پیش‌بینی می‌کند (۲۵) و همچنین تأثیر قابل‌توجهی بر شخصیت بنیادی کودکان در مراحل بعدی رشد ازجمله رشد اجتماعی دارد (۶). اگرچه عوامل خطر ژنتیکی و فردی کودکان، می‌تواند آنها را مستعد رفتارهای اخلال‌گرانه کند، امّا شکل‌گیری اختلال نافرمانی مقابله‌ای تا حد زیادی به تجارب یادگیری اولیه کودک که مهم‌ترین آن تعاملات والد-کودک است، بستگی دارد (۱۳). کودکان باید بتوانند در خانه، بدون ترس از قضاوت و نگرانی از طرد شدن خود را ابراز نمایند (۲۶) و به آنها به‌عنوان عضو مهم و شایسته‌ی احترام در خانه برخورد شود (۲۷)و در کنار سایر اعضای خانواده، صدای کودک نیز به‌عنوان عضوی برابر، شنیده شود (۲۸). خانواده‌ها نیز برای تعامل مؤثر و رشد شخصیت بنیادی کودک، باید بتوانند محیط پایداری را برای کودکان ایجاد کنند که در هنگام بروز مشکلات، بتوانند به‌طور مؤثر آنها را حل کنند (۲۹) و به‌جای تأکید بر نقاط ضعف، به شناسایی و پرورش نقاط قوت آنان بپردازند (۳۰)، بدون توجه به نتیجه، تلاش‌های کودکان را تقویت نمایند (۳۱) و به مشارکت کودکان، تجربه امور توسط آنها و استفاده از اشتباهات برای یادگیری تأکید نمایند (۳۲) تا مرتکب اهداف اشتباه و موقتی نشوند (۲۸).

از طرفی، فرزندپروری برای والدین، روشی برای مراقبت از فرزندان است که هدف اصلی آن، تربیت صحیح آنها با وجود روش‌های مختلف است (۳۳). فرزندپروری یک امر اساسی در شکل‌گیری شخصیت است (۳۴). مدل‌های مختلفی از سبک‌های فرزندپروری وجود دارد؛ از جمله فرزندپروری مستبدانه[1]، فرزندپروری سهل‌گیرانه[2]، فرزندپروری غفلت‌ورز[3] و فرزندپروری دموکراتیک[4]. الگوی فرزندپروری دموکراتیک (مثبت[5])، فرزندپروری توسط والدینی است که رفتار با فرزندان خود را در چارچوب تلاش برای شکل دادن به شخصیت کودک با اولویت دادن به علایق او به‌منظور داشتن نگرش و افکار منطقی انجام می‌دهند (۳۱). در این بین، فرزندپروری دموکراتیک (مثبت)، الگوی تربیتی مبتنی بر فلسفه و روان‌شناسی فردی آدلر[6] است. آدلر و همکارش درایکورس[7] از این اصطلاح استفاده می‌کردند؛ مفهومی که بامریند[8] با اصطلاح فرزندپروری مقتدر[9] از آن استفاده می‌کند و در کارهای پاپکین[10] تحت عنوان فرزندپروری فعال[11] نام برده می‌شود و نلسن[12] نیز اصطلاح انضباط مثبت[13] را به‌جای فرزندپروری دموکراتیک مورد استفاده قرار داده است (۳۵). در این پژوهش که با تأکید بر رویکرد آدلر-درایکورس می‌باشد، از اصلاح فرزندپروری مثبت استفاده شده است. فرزندپروری مثبت بر این فرض متکی است که انسان موجودی اجتماعی (۳۶)، دارای ادراکات ذهنی (۳۷)، مختار و خلاق و هدفمند[14] (۲۲) است و باید او را با دیدگاهی کل‌نگر[15] در نظر گرفت (۳۸). علاوه‌بر این، در سبک فرزندپروری مثبت، والدین ملزم به داشتن عواطف متعادل و بلوغ عاطفی هستند (۲۹) تا بتوانند مشکلات پیش آمده را توضیح دهند (۳۹)، کودک را از پیامدهای اعمال خود (۴۰) و تأثیر رفتارش بر دیگران آگاه نمایند (۴۱) و با مشارکت در امور خانواده، مسئولیت‌ها را به‌عهده بگیرند (۴۲)، کارها و پیامدهای آنرا تجربه کنند، در مورد کارهایشان تصمیم بگیرند تا احساس کفایت و ارزشمند بودن کنند (۴۳). این سبک فرزندپروری تأثیر مثبتی بر شکل‌گیری شخصیت در دوران کودکی دارد (۴۴). در تأیید این ادعا می‌توان به نتایج پژوهش‌های انجام‌شده توسط روان‌شناسان رشد کودک بویژه بامریند اشاره نمود. بامریند (۱۹۹۱) به نقل از ریانی[16] و همکاران (۲۰۲۱) باور دارد، شخصیت والدین یا معلم با سبک فرزندپروری مقتدر (مثبت) با رشد شخصیت کودک در ابعادی همچون استقلال و مسئولیت‌پذیری همبستگی مثبت دارد (۴۵) و خانواده ضمن ایجاد محیطی حمایتی در خانه، به استقلال کودک نیز توجه می‌نماید (۴۶). درایکورس نیز معتقد است که رفتارهای نادرست انسان، نتیجه عدم توجه به نیازهای اساسی فرد برای مشارکت و تعلق در اجتماع است. در این صورت آنها به یکی از ۴ هدف اشتباه روی می‌آورند. درایکورس، ۴ هدف سوء رفتار و مشکلات رفتاری کودکان را جلب‌توجه[17]، جنگ قدرت[18]، انتقام‌جویی[19]

1. Authoritarian parenting
2. Permissive parenting
3. Neglectful parenting
4. Democratic parenting
5. Positive
6. Adler
7. Dreikurs
8. Baumrind
9. Authoritative Parenting
10. Popkin
11. Active parenting
12. Nelsen
13. Positive discipline
14. Goal directed
15. Holistic
16. Riany
17. Attention Getting
18. Power Struggle
19. Revenge

[Downloaded from exceptionaleducation.ir on 2026-11-24]

و تظاهر به بی‌کفایتی[1] می‌داند(۴۷). این ۴ هدف، بازتاب سطوح فزاینده‌ی دلسردی در کودکان هستند (۴۸). در واقع هنگامی‌که کودک ۴ نیاز حیاتی را در زندگی خود و در رفتارهای والدینش نمی‌یابد، شاهد رفتارهای نادرست و مخل او خواهیم بود. این ۴ نیاز حیاتی شامل: تعلق داشتن[2]، داشتن توانایی[3]، به‌حساب آمدن[4] و شجاعت[5] است (۱۳). نکته قابل‌توجه آنکه انواع سبک فرزندپروری به گونه‌های مختلف می‌تواند منجر به رفتارهای ناسازگار در کودکان شوند و به‌کارگیری الگوهای فرزندپروری، ارتباط تنگاتنگی با الگوهای رفتاری و کنترل هیجانی و عاطفی کودکان دارد (۴۹). به‌عنوان نمونه، اختلال نافرمانی مقابله‌ای و رفتارهای فرزندپروری یک رابطه تعاملی و رشدی را نشان می‌دهند (۵۰). افزون براین، با اختلال نافرمانی مقابله‌ای، رفتارهای فرزندپروری بدتر می‌شود و رفتارهای والدینی و فرزندپروری غیرمؤثر، یک پیش‌بینی‌کننده‌ی قوی در افزایش علائم اختلال نافرمانی مقابله‌ای خواهد بود؛ لذا رابطه بین اختلال نافرمانی مقابله‌ای و فرزندپروری، یک رابطه دوسویه است (۲۰). شواهد فراوان نشان‌می‌دهد که اختلال نافرمانی مقابله‌ای بیشتر تحت‌تأثیر پویایی‌های محیط روانی و خانوادگی است (۵۱). یک سیستم ضعیف والدینی با اختلال نافرمانی مقابله‌ای مرتبط است و می‌تواند پیامدهای منفی آینده، مانند سوءمصرف مواد مخدر و الکل را پیش‌بینی کند (۵۲). کودکانی که در خانواده‌های مستبد، سهل گیر و غفلت‌ورز تربیت می‌شوند، در جستجوی جایگاه ازدست‌رفته خود در خانواده هستند و عدم احساس تعلق و ناراحتی آنها باعث می‌شود، کارهایی انجام دهند که موجب آزار دیگران شوند (۱۳). این کودکان چون احساس تعلق، توانمندی و به‌حساب آمدن نمی‌کنند، در همدلی[6] با دیگران مشکل دارند (۲۸) و اغلب دارای علاقه‌ی اجتماعی[7] رشد نایافته هستند (۵). علاقه اجتماعی به معنای مشارکت برای کمک، سهیم شدن، مورد پذیرش بودن، درک کردن، عشق ورزیدن و پذیرش عشق دیگران است (۵۳) که هر چند امری فطری است (۵۴)، امّا در دوران کودکی باید پرورده شود (۵۵) و می‌توان با آموزش و الگودهی در خانواده، آن را ارتقاء داد (۵۶). در ادبیات آدلر-درایکورس، احساس تعلق با علاقه اجتماعی مترادف بوده و مشکلات رفتاری فرد را به‌علت ضعف در علاقه اجتماعی یا همان احساس تعلق و یا دلسردی، مرتبط می‌دانند (۵۷). با عنایت به رشدنیافتگی علاقه اجتماعی در این کودکان، مهارت‌های اجتماعی و خودکنترلی آنها تحت‌تأثیر قرار گرفته و منجر به جنگ قدرت و نوعی جو تعاملی بین والدین و فرزند می‌شود که در آن، یک طرف بازنده و طرف دیگر برنده است و درنهایت این الگوی روابط قهری به خارج از خانواده کشیده می‌شود و بتدریج تشدید می‌شود (۵). در همین ارتباط، پژوهش علیزاده و همکاران (۲۰۱۹) (۵)، که علاقه اجتماعی در کودکان با و بدون اختلال نافرمانی مقابله‌ای را مورد بررسی قرار دادند، حاکی از تفاوت معنادار در علاقه اجتماعی بین ۲ گروه کودکان با و بدون اختلال نافرمانی مقابله‌ای است و به وضوح نشان‌می‌دهد، کودکان با نافرمانی مقابله‌ای، دارای علاقه اجتماعی رشد نایافته‌تر هستند. با توجه به اینکه علاقه اجتماعی با آموزش و خصوصاً در محیط خانواده رشد می‌یابد و از طرفی مؤلفه‌های محیط خانواده با ویژگی‌های اختلال نافرمانی مقابله‌ای مرتبط هستند و تعاملات والد-کودک بر تنظیم احساسات والدین و فرزندان تأثیر می‌گذارد (۵۸)، به‌نظر می‌رسد مداخلاتی که مبتنی بر آموزش والدین باشند، بتوانند در کاهش نشانه‌های کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای مؤثر باشند (۵۹). در همین راستا، خباز و همکاران (۲۰۱۷) (۶۰)، در پژوهشی، به بررسی اثربخشی آموزش علاقه اجتماعی و تأثیر آن بر افزایش میزان علاقه‌ی اجتماعی دانش‌آموزان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای، پرداختند که نتایج، مؤید افزایش میزان علاقه اجتماعی در کودکان با نافرمانی مقابله‌ای بعد از مداخله و آموزش والدین بود. در پژوهشی دیگر و در زمینه تأثیر سبک فرزندپروری و موفقیت‌های فرزندان، ایزا و ماریاتی[8] (۲۰۲۳) (۶۱) به بررسی رابطه بین سبک فرزندپروری و آمادگی برای مدرسه در دانش‌آموزان کلاس اول ابتدایی پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد، بین سبک تربیتی مثبت و آمادگی برای مدرسه، همبستگی مثبت و معنادار وجود دارد و سطوح بالاتر فرزندپروری مثبت با سطوح بالای آمادگی برای مدرسه در دانش‌آموزان کلاس اول مطابقت داشت؛ همچنین اولفا[9] و همکاران(۲۰۲۲) (۶۲) به بررسی رابطه بین فرزندپروری مثبت و تنظیم هیجان با پرخاشگری هواداران فوتبال در دانش‌آموزان یک دبیرستان دولتی پرداختند که نتایج حاکی از آن بود که فرزندپروری مثبت

1. Demonstration of inadequacy
2. Connected
3. Capable
4. Counted
5. Courageous
6. Empathy
7. Social interest
8. Izza & Mariyati
9. Ulfa, Mujidin, & Diponegoro

[Downloaded from exceptionaleducation.ir on 2026-11-24]

به‌عنوان یک عامل بیرونی در محیط خانواده، نقش حیاتی در کنترل رفتار کودکان در دوره نوجوانی، خصوصاً پرخاشگری دارد. فیبیانتی و راچماواتی[1] (۲۰۲۱) (۶۳) نیز در پژوهش خود با توجه به تأثیر سبک فرزندپروری بر رشد کودکان، فرزندپروری مثبت را بهترین و مؤثرترین سبک فرزندپروری در سطح جهان برای حمایت از رشد مطلوب کودکان معرفی می‌کنند و سبک فرزندپروری را بشدت متأثر از بافت فرهنگی جامعه می‌دانند. فرزندپروری و نحوه تعامل صحیح والدین به‌قدری اهمیت دارد که در صورت مشارکت و درگیری بالای مادر در فرزندپروری، کودکان دارای استعداد ژنتیکی اختلال نافرمانی مقابله‌ای را هم در بروز علائم اختلال نافرمانی مقابله‌ای محافظت می‌کند (۶۴) و برعکس آن نیز می‌تواند صادق باشد که در صورت داشتن روابط عاطفی ضعیف بین والدین و کودک، بر سرپیچی، نافرمانی و الگوهای رفتاری پرخاشگرانه و بر تداوم این رفتارها و همچنین احتمال دچار شدن به اختلال سلوک و بزهکاری‌های پس‌ازآن تأثیر می‌گذارد (۶۵). درمجموع، با توجه به نتایج مطالعات قبلی، می‌توان گفت که آموزش والدین مبتنی بر رویکردهای مثبت، به‌عنوان شیوه‌ای آموزشی در اصلاح فرایندهای روان‌شناختی کودکان با اختلالات روانی اثربخش است. از سوی دیگر، با در نظر گرفتن پیامدهای بلندمدت اختلال نافرمانی مقابله‌ای، برنامه‌ریزی مناسب در جهت بازتوانی این کودکان و بهبود مشکلات روان‌شناختی آنها ضرورت پیدا می‌کند؛ بنابراین، با توجه به تأثیرپذیری کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای از کارکرد خانواده و رابطه والد-کودک، این مطالعه درصدد طراحی و تدوین برنامه‌ای مبتنی بر رویکرد فرزندپروری مثبت برای والدین دانش‌آموزان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای بود.

روش

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی و کاربردی با رویکرد پژوهش کیفی از نوع سنتزپژوهی[2] است که شامل ترکیب ویژگی‌ها و عوامل خاص ادبیات پژوهش است. این روش که گاهی اوقات به آن فراتحلیل کیفی نیز می‌گویند، پژوهش‌هایی را که پوشش می‌دهد، تحلیل کرده و ضمن یکپارچه کردن نتایج، تناقض موجود در ادبیات آنرا حل می‌نماید و موضوعات اصلی را نیز برای پژوهش‌های آینده، فراهم می‌کند (۶۶). در این روش، مطالعات مختلف و پراکنده که با موضوع پژوهش مرتبط است، گردآوری شده و سپس دانسته‌های این پژوهش‌ها با هم پیوندیافته و کل مجموعه دانش حاصل‌شده، در قالبی متناسب با نیازهای کنونی، مورد ارزیابی، سازمان‌دهی مجدد و تفسیر قرار می‌گیرند؛ لذا در این نوع پژوهش، کنار هم قرار گرفتن دانش‌های قبلی مدنظر نیست و ترکیب یافته‌های گوناگون در چارچوبی که روابط جدیدی در پی دارد، تأکید می‌شود (۶۷). در این پژوهش جهت تحلیل یافته‌ها از الگوی شش‌مرحله‌ای پتیکرو و روبرتس[3] (۲۰۰۶) استفاده شد. مراحل به‌ترتیب شامل: شناسایی نیاز، اجرای جستجوی مقدماتی و شفاف‌سازی نیاز، اجرای پژوهش به‌منظور بازیابی اطلاعات، پالایش و سازمان‌دهی مطالعات، چارچوب ادراکی و متناسب ساختن آن با اطلاعات حاصل از تحلیل، پردازش، ترکیب و تفسیر در قالب فراورده‌های ملموس و ارائه نتایج می‌باشد (۶۸).

ابتدا بعد از جستجوی مقدماتی مطالعات و پژوهش‌ها، پرسش اصلی پژوهش مشخص شد. پرسش اصلی در این پژوهش این بود که مؤلفه‌ها و عناصر برنامه فرزندپروری مثبت برای والدین کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای چیست؟ و در مرحله بعد، به جستجوی منابع مربوط به نیاز اصلی پژوهش پرداخته شد. ازاین‌رو، تمامی مقالات علمی معتبر از طریق جستجوی واژه‌های کلیدی از قبیل رویکرد آدلر[4]، اختلال نافرمانی مقابله‌ای، اختلالات رفتاری اخلال‌گرانه، درمان آدلر[5]، برنامه آموزش والدین آدلری[6]، آموزش والدین دموکراتیک[7]، فرزندپروری دموکراتیک، انضباط مثبت، فرزندپروری مقتدرانه، فرزندپروری مثبت و فرزندپروری فعال از طریق پایگاه‌های اطلاعاتی از جمله مگیران، ایرانداک، اسکوپوس[8]، گوگل اسکالر[9]، سیج[10]، اریک[11]، امرالد[12]، ساینس دایرکت[13]، ریسرچ گیت[14]، اسپرینگر لینک[15]، پاب‌مد[16] و بررسی ارجاعات هر یک از منابع، شناسایی شد و در ادامه باتوجه‌به هدف پژوهش، منابع مرتبط حفظ و منابع غیرمرتبط حذف گردید. به‌منظور بالابردن کیفیت

1. Febiyanti & Rachmawati
2. Research synthesis
3. Petticrew & Roberts
4. Adlerian Approach
5. Adlerian Therapy
6. Adlerian parent Education program
7. Democratic Parent Education
8. Scopus
9. Google Scholar
10. Sage
11. Eric
12. Emerald
13. Science Direct
14. ResearchGate
15. SpringerLink
16. PubMed

[Downloaded from exceptionaleducation.ir on 2026-11-24]

کار، مقالات یافته شده، برای ۲ نفر خبره در زمینه‌ی فرزندپروری مثبت ارسال شد تا بر روند کار نظارت داشته باشند. مرحله بعد، به داوری در مورد تعیین مطالعات مرتبط با نیازهای پژوهش پرداخته شد. معیارهای ورود برای حفظ پژوهش‌ها شامل موارد ذیل بود: ۱) مقالات و پژوهش‌های چاپ‌شده، بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ در حوزه فرزندپروری مثبت و اختلال نافرمانی مقابله‌ای ۲) از آنجایی که، سنتزپژوهی با داده‌های کیفی سروکار دارد، مقالات و پژوهش‌های کیفی و مقالات کمّی، از جمله همبستگی و پیمایشی که دارای نتایج کیفی بودند، در اولویت بررسی قرار گرفتند. ۳) پژوهش‌ها می‌بایست، داده‌ها و اطلاعات کافی در ارتباط با اهداف پژوهش می‌داشتند. باتوجه‌به جستجوی انجام‌شده، تعداد ۹۷ مقاله یافت شد که تعدادی از آنها برای تحلیل نهایی مناسب نبودند و براساس ملاک‌های خروج از فرایند تحلیل حذف شدند. ملاک‌های خروج شامل موارد ذیل بود: ۱) منابعی که اطلاعات کافی در زمینه اهداف پژوهش نداده بودند و به‌طور جزئی به آن پرداخته بودند. ۲) پژوهش‌هایی که فاقد کیفیت علمی لازم بودند و یا در مجلات بی‌کیفیت منتشرشده بودند. ۳) پژوهش‌هایی که با اهداف و عناوین یکسان انجام شده بودند. برای ارزیابی کیفیت پژوهش‌های منتخب از سیاهه[1] CASP استفاده شد. با استفاده از این سیاهه، ۱۰ شرط کیفی هر مقاله مورد ارزیابی قرار گرفت. به مقالات، براساس هر یک از شرایط، امتیازی بین ۱ تا ۵ تخصیص داده شد. مقالاتی که مجموع امتیازات آنها ۳۱ و بالاتر بود، تأیید و مقالات دیگر حذف شدند (۶۹). حجم نمونه انتخاب شده، تعداد ۹۷ مقاله بود که در گستره‌ی زمانی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۳ منتشرشده بودند. باتوجه‌به تاریخ انتشار و نوع پژوهش و براساس معیارهای انتخاب و تعیین راهبردهای جستجوی اسناد و پایگاه‌ها، تعداد ۲۷ پژوهش انتخاب شد و در مرحله بعد، چکیده اسناد خوانده شدند و براساس کیفیت مقالات و میزان مرتبط بودن آنها، غربالگری انجام و تعداد ۱۲ مورد (شکل ۱، درخت تصمیم‌گیری) به‌عنوان نمونه پژوهش انتخاب شد که در جدول (۱) معرفی شده است. با توجه به یافته‌های حاصل از پژوهش‌های مرتبط باهدف پژوهش، مقاله‌های موردنظر به‌دقت مورد تحلیل قرار گرفتند و سپس با کدگذاری و طبقه‌بندی، شاخص‌هایی که در این پژوهش‌ها برای فرزندپروری مثبت به‌کاررفته است، مقولات و مضامین اصلی با کمک نرم‌افزار مکس‌کیودی‌ای[2] ۲۰۲۰ استخراج شدند. در این مرحله، ۱۶ کُد محوری انتخاب شد و در مرحله بعد کدگذاری گزینشی با ۶ مفهوم انتخاب و با عنوان مضامین انتخاب شدند. با توجه به اینکه هدف سنتزپژوهی، ترکیب تمامی یافته‌های علمی در یک موضوع خاص و رسیدن به انسجام واحد است، موارد همپوشی و قرابت معنایی با هم ترکیب شدند و به‌صورت یک کل جدید و انسجام‌یافته ارائه گردید و بر این اساس فرزندپروری مثبت بر ۶ مضمون

شکل ۱) فرایند بررسی و انتخاب مقالات (درخت تصمیم‌گیری)

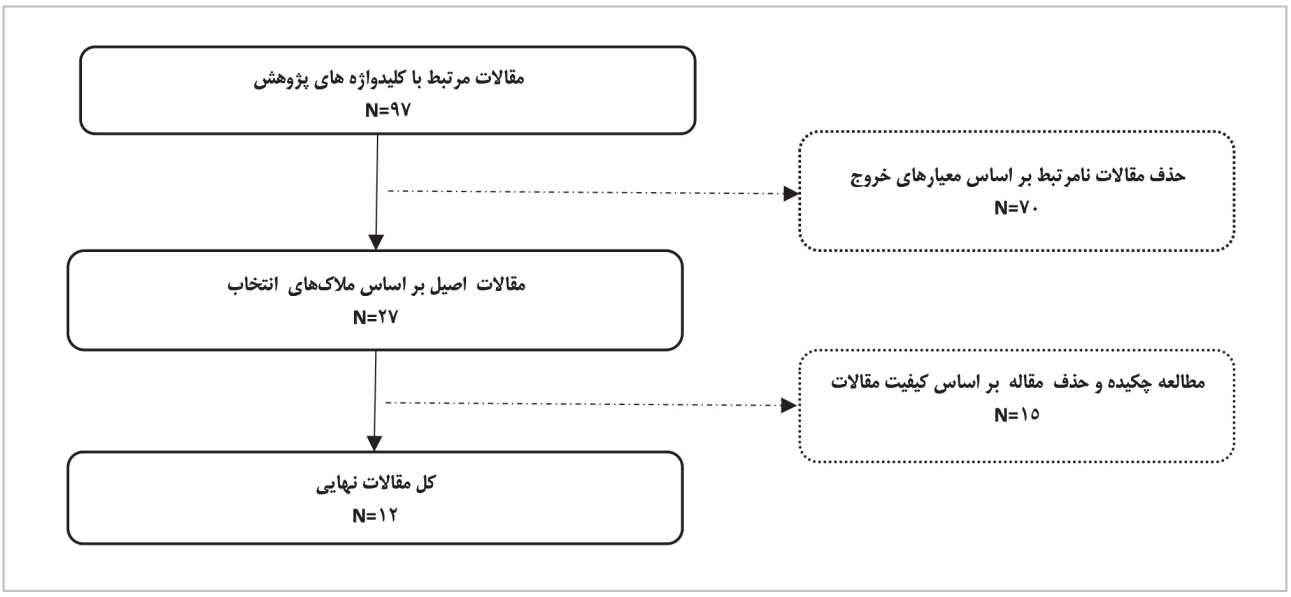

1. Critical Appraisal Skills Programme
2. MAXQDA

[Downloaded from exceptionaleducation.ir on 2026-11-24]

اصلی اساسی شامل: احترام متقابل و برابری[1]، استفاده از پیامدهای طبیعی و پیامدهای منطقی[2]، خودمختاری روانی[3]، انضباط استقرایی[4]، بلوغ و انتظارات بالا[5]، صمیمیت، پذیرش و حساسیت والدین[6] استوار گردید.

جدول ۱) پژوهش‌های منتخب در فرآیند سنتزپژوهی

ردیف	نام پژوهشگر و سال انتشار	عنوان پژوهش	خلاصه نتایج
۱	میکلیکوفسکا و هورمه[7] (۷۰) (۲۰۱۱)	دموکراسی از خانه آغاز می‌شود: حمایت والدین دموکراتیک و نوجوانان از ارزش‌های دموکراتیک	عملکرد دموکراتیک خانواده به‌طور مثبت با حمایت نوجوانان از ارزش‌های دموکراتیک مرتبط است و علاوه بر این، همدلی به‌عنوان میانجی، در جهت‌گیری دموکراتیک نوجوانان نقش دارد.
۲	اوریان و گاستیل[8] (۷۱) (۲۰۱۳)	فرزندپروری دموکراتیک: پیام‌های متناقض در نظریه‌های آموزش والدین دموکراتیک	کتاب‌های آموزش والدین دموکراتیک انتخاب شده در پژوهش، علی‌رغم منطق دموکراتیک خود، شیوه‌هایی از ارتباط را ارائه می‌کنند که کودک را برای اصلاح رفتار نادرست، اعمال قدرت والدین و مداخله رفتاری کودک برای تصمیم‌گیری به دنبال قضاوت والدین، راهنمایی می‌کند؛ بنابراین استفاده از یک روش واقعاً دموکراتیک را تأیید نمی‌کند. پس والدین باید با سبک فرزندپروری جدیدی آشنا شوند که به دنبال فرصت‌هایی برای توانمندسازی کودکان برای تصمیم‌گیری مستقل‌تر و مشارکت در آن هستند.
۳	لیندکوئیست و واتکینز[9] (۷۲) (۲۰۱۴)	رویکردهای مدرن به چالش‌های مدرن: مروری بر برنامه‌های پرکاربرد فرزندپروری	در این پژوهش، هفت برنامه فرزندپروری برای ارائه نمای کلی از مدل‌ها و روندهای فعلی در آموزش والدین انتخاب و بررسی شدند و با برجسته‌کردن جنبه‌های اصلی موجود و مشترک در تقریباً همه این مدل‌ها نتیجه‌گیری‌هایی را ارائه کردند که اغلب با فرزندپروری آدلر و درایکورس همسو است.
۴	لیون[10] (۷۳) (۲۰۱۸)	مشارکت دموکراتیک والدین: رابطه‌ای و متضاد	باتوجه به اینکه اکنون مدارس از والدین انتظارات حمایتی دارند، امّا در واقع حمایت‌ها بیشتر شامل تکمیل به‌موقع پرسش‌نامه‌ها، حضور به‌موقع در برنامه‌ها، اطمینان از انجام تکالیف و... می‌باشد، لذا صدای دموکراتیک آنها شنیده نمی‌شود. مدارس سعی در تربیت بچه خوب و منطبق بر عرف عام دارند و والدین در سیستم‌های آموزشی، صدای دموکراتیک خود را ازدست‌داده‌اند؛ لذا باید مدارس دموکراتیک، صدای خاموش و گاهی متضاد والدین که عرف عام را به چالش می‌کشند، بپذیرند و سیاست‌های جدیدی را احیا کنند.
۵	مرال[11] (۷۴) (۲۰۱۸)	بررسی تأثیر نگرش والدین استبدادی در مقابل دموکراتیک و دلبستگی والدین بر شرم و گناه به روش شبه‌تجربی	این پژوهش در ۲ مرحله انجام شد، در مرحله اول، دلبستگی‌های والدین قبل از دست‌کاری نگرش والدین اندازه‌گیری شد و مشخص شد که دلبستگی به مادر تأثیر قابل‌توجهی بر شرم دارد. بااین‌حال، نگرش‌های والدین اقتدارگرا - دمکراتیک تأثیر قابل‌توجهی بر احساس گناه یا شرم نداشت. در مرحله دوم، دلبستگی‌های ناایمن به مادر و پدر تأثیرات اعتدالی بر شرم داشت، اما تنها اثر تعدیل دلبستگی ناایمن به پدر معنی‌دار بود.

1. Mutual Respect and Equal
2. Using natural consequences and logical consequences
3. Psychological Autonomy
4. Inductive Discipline
5. Maturity and High Expectations
6. Parental Warmth, Acceptance, And Sensitivity
7. Miklikowska & Hurme
8. Oryan & Gastil
9. Lindquist & Watkins
10. Lyon
11. Meral

[Downloaded from exceptionaleducation.ir on 2026-11-24]

ردیف	نام پژوهشگر و سال انتشار	عنوان پژوهش	خلاصه نتایج
۶	انگگرینی، جایانتی و سیاهریزال[1] (۷۵) (۲۰۱۹)	مفهوم فرزندپروری دموکراتیک و تأثیر آن در سنین دبستان	نتایج این مطالعه که یک پژوهش مروری است، نشان می‌دهد، فرزندپروری دموکراتیک، نوعی فرزندپروری است که به کودکان، مطابق میل آنها در حدود قوانین تعیین شده و مورد توافق والدین و فرزندان؛ آزادی عمل می‌دهد و همچنین فرزندپروری دموکراتیک تأثیر خوبی بر کودکان دبستانی در مواردی مانند هوش هیجانی، خلاقیت دانش‌آموزان و نظم و انضباط دارد.
۷	پینجای و دامرونگ پانیت[2] (۷۶) (۲۰۲۰)	تأثیر فرزندپروری دموکراتیک و فعالیت‌های آموزشی بر شهروندی جهانی دانش‌آموزان دبیرستانی: یک مدل معادله ساختاری چندسطحی با عوامل دانش‌آموزی به‌عنوان واسطه	ترکیبی از والدین دموکراتیک و به‌کارگیری استدلال منطقی در تصمیم‌گیری، ۶۸/۵۰ درصد از واریانس شهروندی جهانی را تبیین کرد. فعالیت‌های آموزشی به‌طور مستقیم و غیرمستقیم از طریق عوامل مختلف تأثیر مثبتی بر شهروندی جهانی داشت. به‌طورکلی، فعالیت‌های فرزندپروری و تدریس با هم ۸۴ درصد از واریانس شهروندی جهانی دانش‌آموزان را تشکیل می‌دهند. این یافته‌ها بر اهمیت پرورش نگرش‌های سیاسی و ترکیب عوامل مرتبط در شیوه‌های فرزندپروری و آموزشی برای ارتقای شهروندی جهانی دانش‌آموزان تأکید می‌کند.
۸	سپتانی و کورنیاوان[3] (۷۷) (۲۰۲۲)	الگوی فرزندپروری دموکراتیک در آموزش خانواده	هفت مدل وجود دارد که می‌تواند توسط والدین در اجرای فرزندپروری دموکراتیک برای دوران کودکی مورد استفاده قرار گیرند. این ۷ مدل عبارت‌اند از: انعطاف‌پذیربودن والدین، الگوی خوب‌بودن، ارائه پیامدهای واضح برای نقض قوانینی که کودکان انجام می‌دهند، برقراری ارتباط روزانه، ارائه استانداردهای رفتاری واضح برای کودکان، دعوت از کودکان برای توسعه توانایی خود برای بیان افکار و احساسات و قدردانی از منحصربه‌فرد بودن کودک است.
۹	سوکمانداری، تریانا و پریهندینی[4] (۷۸) (۲۰۲۲)	رشد کودکان پیش‌دبستانی مرتبط با والدین دموکراتیک	نتایج پژوهش حاکی از آن بود که رابطه معنادار بین پرورش دموکراتیک و رشد کودکان وجود دارد، لذا الگوهای فرزندپروری، تأثیر بسزایی بر رشد کودکان، بویژه در دوران طلایی آن یعنی دوران کودکی، دارند.
۱۰	ساهورکا و سویت جنینگیش[5] (۷۹) (۲۰۲۳)	فرزندپروری دموکراتیک و هوش هیجانی: مطالعه‌ای بر روی نوجوانان خانواده‌های مطلقه	بین فرزندپروری دموکراتیک و هوش هیجانی، همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. فرزندپروری دموکراتیک تقریباً به ۹/۸۵ درصد از کیفیت هوش هیجانی نوجوانان کمک می‌کند. این مطالعه بر اهمیت خانواده به‌عنوان بستر اولیه برای شکل‌گیری شخصیت تأکید می‌کند.
۱۱	ویبوو، رومانی، روسیهدیانسیا و کونتادی[6] (۸۰) (۲۰۲۳)	تأثیر سبک فرزندپروری بر شکل‌گیری شخصیت انضباطی دانش‌آموزان: مروری بر ادبیات	الگوی فرزندپروری دموکراتیک در صورت استفاده در محیط خانواده، تأثیر مثبتی بر شخصیت انضباطی دانش‌آموزان دارد. الگوی فرزندپروری دموکراتیک می‌تواند در ایجاد اعتماد و توسعه مهارت‌های رهبری و استقلال کمک‌کننده باشد. امّا الگوی فرزندپروری مستبدانه می‌تواند با ارائه قوانین روشن و اقدامات قاطعانه، فقط برای شکل‌دادن به نظم و مسئولیت‌پذیری انجام شود.

1. Anggraeni, Jayanti & Syahrizal
2. Pinjai & Damrongpanit
3. Septani & Kurniawan
4. Sukmandari, Triana & Prihandini
5. Sahureka & Soetjiningsih
6. Wibowo, Rumani, Rusdyansyah & Kuntadi

[Downloaded from exceptionaleducation.ir on 2026-11-24]

ردیف	نام پژوهشگر و سال انتشار	عنوان پژوهش	خلاصه نتایج
۱۲	هاراهاپ و ساهپوترا[1] (۸۱) (۲۰۲۳)	فرزندپروری دموکراتیک مردان و زنان تک والد در القای تعامل اجتماعی در کودکان	فرزندپروری دموکراتیک در خانواده مردان و زنان تک‌والد، به‌طور موفقیت‌آمیزی، کودکان را آموزش می‌دهد تا به‌خوبی با والدین خود و محیط اطراف ارتباط برقرار کنند. این آموزش‌ها، کودکان را به استقلال و احساس کفایت ترغیب می‌کنند.

یافته‌ها

به‌منظور طراحی برنامه فرزندپروری مثبت برای خانواده‌های کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای، ابتدا پژوهش‌های منتخب به‌دقت مورد بررسی و تجزیه‌وتحلیل قرار گرفتند و سپس با کدگذاری و طبقه‌بندی شاخص‌هایی که در این پژوهش‌ها برای فرزندپروری مثبت به‌کاررفته است، مقولات و مضامین اصلی استخراج شدند. شانزده کُد محوری انتخاب شد و در مرحله بعد کدگذاری گزینشی با ۶ مفهوم انتخاب و با عنوان مضامین انتخاب شدند. اطلاعات حاصل از سنتزپژوهی در جدول (۲) قابل‌ملاحظه می‌باشد.

جدول ۲) مضامین برنامه فرزندپروری مثبت

	مضامین	کدهای محوری
۱	احترام متقابل و برابری	• تعاملات والد - کودک توأم با احترام رفتار • گوش‌دادن فعال و انعطاف‌پذیر
۲	استفاده از پیامدهای طبیعی و پیامدهای منطقی	• تمایل والدین به داشتن سبک فرزندپروری مثبت • کمک به کودکان برای یادگیری از طریق پیامدهای طبیعی به‌جای تنبیه
۳	خودمختاری روانی	• امکان ارائه نظرات و ترجیحات خود از سوی کودک • تشویق استقلال کودک از سوی والدین • امکان تصمیم‌گیری از سوی کودکان در صورت لزوم
۴	انضباط استقرایی	• تعیین قوانین و مرزها از سوی والدین با مشارکت کودکان • استفاده از نظم و انضباط استقرایی به‌جای تنبیه • آموزش به کودکان برای تأثیرگذاری از طریق اعمالشان بر دیگران
۵	بلوغ و انتظارات بالا	• ارائه توضیح درباره تأثیر رفتار کودکان از سوی والدین • زیر نظرداشتن رفتار کودکان از نزدیک • انتظار رفتاری بالغانه و درست
۶	صمیمیت، پذیرش و حساسیت والدین	• والدین گرم، پذیرنده و حساس • آگاهی از تفاوت‌های فردی کودکان • در نظر گرفتن نیازهای کودکان

پژوهشگر با استفاده از مؤلفه‌های اصلی شناسایی‌شده، اقدام به طراحی برنامه آموزش فرزندپروری مثبت برای خانواده‌های کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای در قالب ۱۰ جلسه نمود که برنامه طراحی‌شده در جدول (۳) قابل‌ملاحظه می‌باشد:

1. Harahap & Sahputra

[Downloaded from exceptionaleducation.ir on 2026-11-24]

جدول ۳) خلاصه محتوا و فرایند اجرای برنامه فرزندپروری مثبت برای والدین کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای

ردیف	موضوع	هدف و فرایند اجرایی جلسه
۱	● آشنایی اعضا با یکدیگر ● تبیین اهداف پژوهش ● مروری بر ویژگی‌های کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای ● اشتباهات رایج والدگری	۱. آشنایی گروه با یکدیگر و با پژوهشگر، تبیین هدف برنامه: ارائه اطلاعاتی در زمینه قوانین گروه مانند رازداری، وفاداری، همدلی، حضور به‌موقع، مشارکت در فعالیت‌ها، انجام تکالیف، زمان و تعداد جلسات، زمان برگزاری جلسات ۲. معرفی آدلر به‌عنوان یکی از پیشگامان فرزندپروری دموکراتیک (مثبت) و تبیین ویژگی‌های روان‌شناسی فردی ۳. پاسخ به پرسش‌های والدین درخصوص برنامه
۲	مفاهیم اساسی فرزندپروری مثبت با تکیه بر دیدگاه آدلر - درایکورس	۱. بررسی اصول اساسی و مفاهیم کلیدی فرزندپروری از نگاه آدلر بویژه فرزندپروری مثبت برخاسته از یافته‌های سنتزپژوهی (ارائه‌شده در جدول ۲) ۲. بررسی باورهای اشتباه درباره کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای براساس دیدگاه درایکورس
۳	پذیرش غیر قضاوتی خود و فرزند	۱. درک مفهوم و ابعاد پذیرش غیر قضاوتی ۲. پذیرش خود به‌عنوان یک والد و فردیت کودک ۳. درک و پذیرش غیر قضاوتی ویژگی‌های کودک با اختلال نافرمانی مقابله‌ای از سوی والدین (اشتباهات والدین در برقراری ارتباط با کودکان)
۴	احترام متقابل و برابری	۱. مفهوم‌آموزی احترام متقابل بین والد - فرزند به‌عنوان راهی برای توجه مثبت به کودک ۲. ارائه راهبردهای احترام متقابل در فرایند فرزندپروری □ گوش‌دادن فعال □ ارزش‌گذاری دیدگاه‌ها □ تصمیم‌گیری مشارکتی □ همکاری و اشتراک قدرت □ تعیین مرزها با احترام □ الگوسازی رفتار محترمانه □ برانگیختن احترام به نظم □ احترام به حقوق دیگران ۳. تبیین گستره احترام متقابل بین والد - کودک و تشخیص افتراقی احترام متقابل با سهل‌گیری
۵	استفاده از پیامدهای طبیعی و پیامدهای منطقی	۱. مفهوم‌شناسی پیامدهای طبیعی رفتار به‌عنوان نتایج اجتناب‌ناپذیر رفتار که به‌طور طبیعی و بدون دخالت بزرگسالان اتفاق می‌افتد. ۲. ارائه مثال‌هایی از پیامدهای طبیعی رفتار کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای: □ اگر دیر به رختخواب بروی، صبح روز بعد بسختی از خواب بیدار خواهی شد. □ اگر تمام وقت خود را صرف انجام این بازی ویدئویی کنی، برای روز بعد زمانی برای اتمام تکالیف مدرسه خود نخواهی داشت. □ اگر اتاق خود را مرتب و منظم نگه نداری، ممکن است نتوانی به‌راحتی اسباب‌بازی مورد علاقه خود را پیدا کنی. □ اگر با دوستان خود بد باشی، آنها با تو بازی نمی‌کنند.

[Downloaded from exceptionaleducation.ir on 2026-11-24]

ردیف	موضوع	هدف و فرایند اجرایی جلسه
۵	استفاده از پیامدهای طبیعی و پیامدهای منطقی	۳. تشخیص افتراقی پیامدهای طبیعی، پیامدهای منطقی و پیامدهای ناخوشایندی که توسط والدین تحمیل می‌شوند و نتیجه مستقیم اعمال کودک نیستند. ۴. توصیه به والدین برای استفاده از پیامدهای طبیعی و پیامدهای منطقی و بررسی فواید آن ازجمله □ تقویت تفکر انتقادی □ رشد توانایی حل مسئله □ تقویت مسئولیت‌پذیری و خودکارآمدی ۵. تبیین شرایطی که استفاده از پیامدهای طبیعی مناسب نیستند: □ مسائل ایمنی قریب‌الوقوع □ مشکلات قریب‌الوقوع مرتبط با سلامتی □ آسیب رساندن به هر کسی ازجمله خود، دیگران، حیوانات و اموال □ تضییع حقوق دیگران
۶	خودمختاری روانی	۱. مفهوم‌شناسی خودمختاری روانی به‌عنوان امکان اینکه کودک نظرات و ترجیحات خود را مطرح و حق ابراز آنها را داشته باشند. ۲. تبیین ابعاد خودمختاری روانی □ خودمختاری به‌عنوان حس ذاتی آزادی است که به کودک اجازه می‌دهد تا از طرف خودش عمل کند و سرنوشتش را به دست بگیرد. □ ارتباط به‌عنوان راهی برای مراقبت از دیگران و احساس تعلق. □ شایستگی به‌عنوان احساس کنترل بر محیط ۳. بررسی پیش‌نیازهای خودمختاری روانی کودکان و آموزش آنها □ خودآگاهی به‌عنوان آگاهی از احساسات، خواسته‌ها، نیازها و افکار □ منبع کنترل به‌عنوان باور افراد در مورد اینکه آیا آنها مسئول سرنوشت خود هستند یا خیر؟ □ خودکارآمدی به‌عنوان باور فرد به توانایی خود برای موفقیت در یک موقعیت خاص □ حمایت اجتماعی و محیط‌های حمایتی □ سطح آزادی به‌عنوان توانایی عمل مستقل تحت‌تأثیر میزان آزادی که افراد برای رفتار مستقل دارند.
۷	انضباط استقرایی	۱. مفهوم‌شناسی انضباط استقرایی به‌عنوان یک روش انضباطی والدین که شامل استفاده از استدلال برای توضیح اعمال، ارزش‌ها و رویکردهای انضباطی والدین است. ۲. تعیین محدودیت‌های واضح، یادآوری قوانین به کودکان و بحث در مورد دلایل رفتار مناسب اجتماعی با آنها به‌عنوان راهبرد انضباط استقرایی در خانه برای کودکان با نافرمانی مقابله‌ای ۳. بررسی فواید بهره‌گیری از انضباط استقرایی: □ کاهش مشکلات رفتاری □ خودتنظیمی هیجانی □ ارزش‌های اخلاقی قوی‌تر و نوع‌دوستی ۴. نحوه استفاده از انضباط استقرایی در فرزندپروری
۸	بلوغ و انتظارات بالا	۱. تنظیم سطح انتظار والدینی پس از انضباط استقرایی ۲. آموزش رفتار بالغانه و درست به کودک و تشویق آن پس از تدوین انضباط استقرایی ۳. پاسخگویی والدین در کنار انتظارات بالا با برگزاری جلسات خانوادگی

[Downloaded from exceptionaleducation.ir on 2026-11-24]

ردیف	موضوع	هدف و فرایند اجرایی جلسه
۹	صمیمیت، پذیرش و حساسیت والدین	۱. تشویق والدین به صمیمیت و رابطه گرم با کودک با نافرمانی مقابله‌ای ۲. اشاره به تفاوت‌های فردی کودکان ۳. توجه به نیازهای کودکان ۴. استفاده از اشتباهات برای یادگیری ۵. صمیمیت، پذیرش و حساسیت والدین مثبت چگونه می‌تواند باشد؟
۱۰	جمع‌بندی	جمع‌بندی جلسات، یادآوری مفاهیم اساسی با ارائه بایدها و نبایدهای فرزندپروری مثبت و پاسخ‌گویی به پرسش‌های والدین

روایی محتوایی برنامه آموزش فرزندپروری مثبت برای والدین کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای

معمولاً اولین گام در تعیین روایی یک مداخله درمانی، بررسی روایی محتوایی آن است. روایی محتوایی به تحلیل منطقی محتوای یک پروتکل بستگی داشته و تعیین آن براساس قضاوت ذهنی و فردی است. در این روش، محتوای هر جلسه شامل اهداف، فرایند اجرایی و تکالیف هر جلسه در اختیار متخصصان یا برخی از مخاطبان پروتکل (والدین کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای) گذاشته شده و از آنها خواسته می‌شود که مشخص کنند؛ آیا اهداف و یا فرایند اجرایی هر جلسه مبتنی بر هدف اصلی برنامه هست یا خیر و اینکه آیا مجموع جلسات کل محتوای برنامه را در برمی‌گیرد یا خیر؟ در صورتی که بین افراد مختلف در زمینه روایی پروتکل، توافق وجود داشته باشد، آن پروتکل دارای روایی محتوایی است. بر این اساس، به‌منظور ارزیابی روایی محتوایی، برنامه آموزش فرزندپروری مثبت برای والدین کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای، باتوجه‌به نظر داوران، شاخص روایی محتوایی[1] با استفاده از روش والتز و باسل[2] محاسبه شد. در این روش، داوران، محتوای هر جلسه را از ابعاد «مربوط بودن»، «واضح بودن» و «ساده بودن» براساس یک طیف لیکرتی ۴ قسمتی، مورد ارزیابی قرار دادند. نکته بسیار مهم در این روش مشخص کردن داوران و یا به‌عبارت بهتر، کسانی است که قرار است روایی محتوایی برنامه را مورد بررسی و قضاوت قرار دهند. متخصصان شرکت‌کننده در فرایند بررسی روایی محتوا ۲ گروه هستند. اولین گروه، متخصصان محتوا[3] هستند. متخصصان، افرادی هستند که دانش نظری در زمینه موردنظر را دارند، تجربه‌های بالینی مرتبط با آن را دارا بوده و یا در مورد موضوعاتی که با محتوای مورد نظر در پژوهش مرتبط هستند، پژوهش‌هایی انجام داده‌اند. (۸۲). گروه دوم، گروهی از مردم آگاه[4] می‌باشند. بازنگری برنامه توسط نمونه‌ای از افراد جمعیت هدف که ابزار موردنظر برای آنها طراحی می‌شود، بخش مهمی از فرایند ارزیابی روایی محتوا را تشکیل می‌دهد. در این پژوهش به‌منظور ارزیابی روایی محتوای برنامه فرزندپروری مثبت برای والدین کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای، چهار نفر از متخصصان محتوا که در حوزه فرزندپروری، سابقه پژوهشگری و یا تجربه بالینی داشته و ۲ نفر از والدین کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای مشارکت داشته و پس از مطالعه جدول برنامه، پرسش‌نامه ارزیابی روایی محتوای برنامه را تکمیل نمودند. برای به‌دست آوردن شاخص روایی محتوایی، تعداد خبرگان که گزینه ۳ و ۴ انتخاب کرده بودند، بر تعداد کل خبرگان تقسیم شد. چون مقدار حاصل، از ۰/۷۹ بزرگ‌تر بود، روایی محتوایی مورد تأیید می‌باشد (۸۳). یافته‌های حاصل از پرسش‌نامه ارزیابی روایی محتوای برنامه فرزندپروری مثبت برای والدین کودکان دارای اختلال نافرمانی مقابله‌ای که توسط ۴ نفر از متخصصان و ۲ نفر از مادران این کودکان (به‌عنوان افرادی از جامعه مخاطبان برنامه)، تکمیل‌شده است، در جدول (۴) به تفکیک هر جلسه ارائه شده است که مبین روایی محتوایی مناسب و قابل‌قبول برای این برنامه است. برای محاسبه شاخص روایی محتوایی از فرمول زیر استفاده می‌شود.

1. Content Validity Index
2. Waltz & Bausell
3. content expert
4. lay expert

[Downloaded from exceptionaleducation.ir on 2026-11-24]

$$\text{شاخص روایی محتوایی} = \frac{\text{«تعداد متخصصانی که به گویه نمره ۳ و ۴ نمره داده‌اند»}}{\text{«تعداد کل متخصصان»}}$$

جدول ۴) نتایج درجه‌بندی نظر متخصصان برای تعیین روایی محتوایی جلسات برنامه فرزندپروری مثبت برای والدین کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای

جلسه	یکم	دوم	سوم	چهارم	پنجم	ششم	هفتم	هشتم	نهم	دهم
روایی هر جلسه	۰/۸۳	۰/۸۹	۰/۸۶	۰/۹۰	۰/۸۳	۰/۸	۰/۸۶	۰/۹۱	۰/۸۷	./۸۵
روایی کل	۰/۸۶									

پایایی برنامه

برای اطمینان از نحوه کدگذاری‌ها از ۲ نفر ارزیاب جهت کدگذاری مجدد یافته‌ها استفاده شد که به‌منظور تأیید پایایی از ضریب کاپای کوهن استفاده شد. در این پژوهش میزان توافق بین ارزیابان ۰/۷۶ به‌دست آمد که نشان‌دهنده ۷۶ درصد توافق بین ارزیابان در کدگذاری‌ها بود. مقدار مناسب ضریب پایایی کاپای کوهن، بالای ۰/۶ است و از فرمول زیر قابل‌محاسبه می‌باشد.

$$K = \frac{Pr(a) - Pr(e)}{1 - Pr(e)}$$

K: ضریب توافق کاپا

Pr(a): قرارداد نسبی مشاهده‌شده بین مقیاس‌ها یا ارزیاب‌ها (توافق بین دو کدگذار)

Pr(e): درصد توافق مورد انتظار (احتمال فرضی قرارداد شانس)

بحث و نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، شناسایی و تدوین مؤلفه‌های آموزش والدین مثبت، طراحی و سنجش روایی محتوایی برنامه برای خانواده‌های با کودکان نافرمانی مقابله‌ای بود. یافته‌ها نشان داد فرزندپروری مثبت بر ۶ مضمون اصلی شامل: احترام متقابل و برابری، استفاده از پیامدهای طبیعی و پیامدهای منطقی، خودمختاری روانی، انضباط استقرایی، بلوغ و انتظارات بالا و صمیمیت، پذیرش و حساسیت والدین استوار است که الگوی آن در شکل (۲) قابل ملاحظه است.

مضمون اول پژوهش «احترام متقابل و برابری» است که یکی از اصول اساسی در فرزندپروری مثبت بوده و باعث تقویت روابط هماهنگ و متعادل والد-کودک می‌شود. هارت و هادسون[1] (۲۰۰۶) (۲۷)، معتقدند این اصل بر اهمیت رفتار با کودکان به‌عنوان افرادی که شایسته کرامت، استقلال و عدالت هستند، تأکید می‌کند. ژینوت[2] (۱۹۶۵) (۲۶) نیز گفت‌وگوی محترمانه بین والدین و کودک، به‌گونه‌ای که در آن هر دو طرف، شنیده و تأیید شوند را به‌عنوان راه‌حلی جدید برای حل مشکلات مزمن مطرح می‌کند. از آنجایی‌که کودکان با نافرمانی مقابله‌ای اغلب برخلاف مسیر روابط اجتماعی حرکت می‌کنند و در ابراز رفتارهای سودمند اجتماعی همچون همدلی با دیگران مشکل دارند، احساس همبستگی و تعلق به دیگران را از دست می‌دهند و تنش‌های ارتباط با اطرافیان افزایش می‌یابد و به‌واسطه‌ی علاقه‌ی اجتماعی محدود، روابط در خانه و مدرسه با مشکل مواجه خواهد شد. علاقه اجتماعی فرایندی است که می‌توان آن را با آموزش و تمرین افزایش داد. با آموزش احترام متقابل و برابری در این مضمون، به رشد همدلی و درک در کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای کمک می‌شود. وقتی کودکان در خانواده‌ی خود، احترام و برابری را تجربه می‌کنند، به احتمال زیاد این ارزش‌ها را به تعاملات خود با دیگران تعمیم داده و رشد و هماهنگی اجتماعی را ارتقا می‌دهند (۵۶) این یافته‌ها با پژوهش علیزاده و همکاران (۲۰۱۹) (۵) همسو بود. آنها معتقدند، همدلی و ارتباط، از مهم‌ترین ابعاد علاقه اجتماعی است که کودکان با نافرمانی مقابله‌ای در آن مشکل دارند و این منجر به صدمه در تعاملات و مسئولیت‌پذیری آنها می‌شود، امّا با آموزش والدین در این مضمون، می‌توان از شدت اختلال کاست و به افزایش علاقه اجتماعی در آنها کمک

1. Hart & Hodson
2. Ginott

[Downloaded from exceptionaleducation.ir on 2026-11-24]

شکل ۲) الگوی آموزش فرزندپروری مثبت برای خانواده‌های کودکان دارای اختلال نافرمانی‌مقابله‌ای

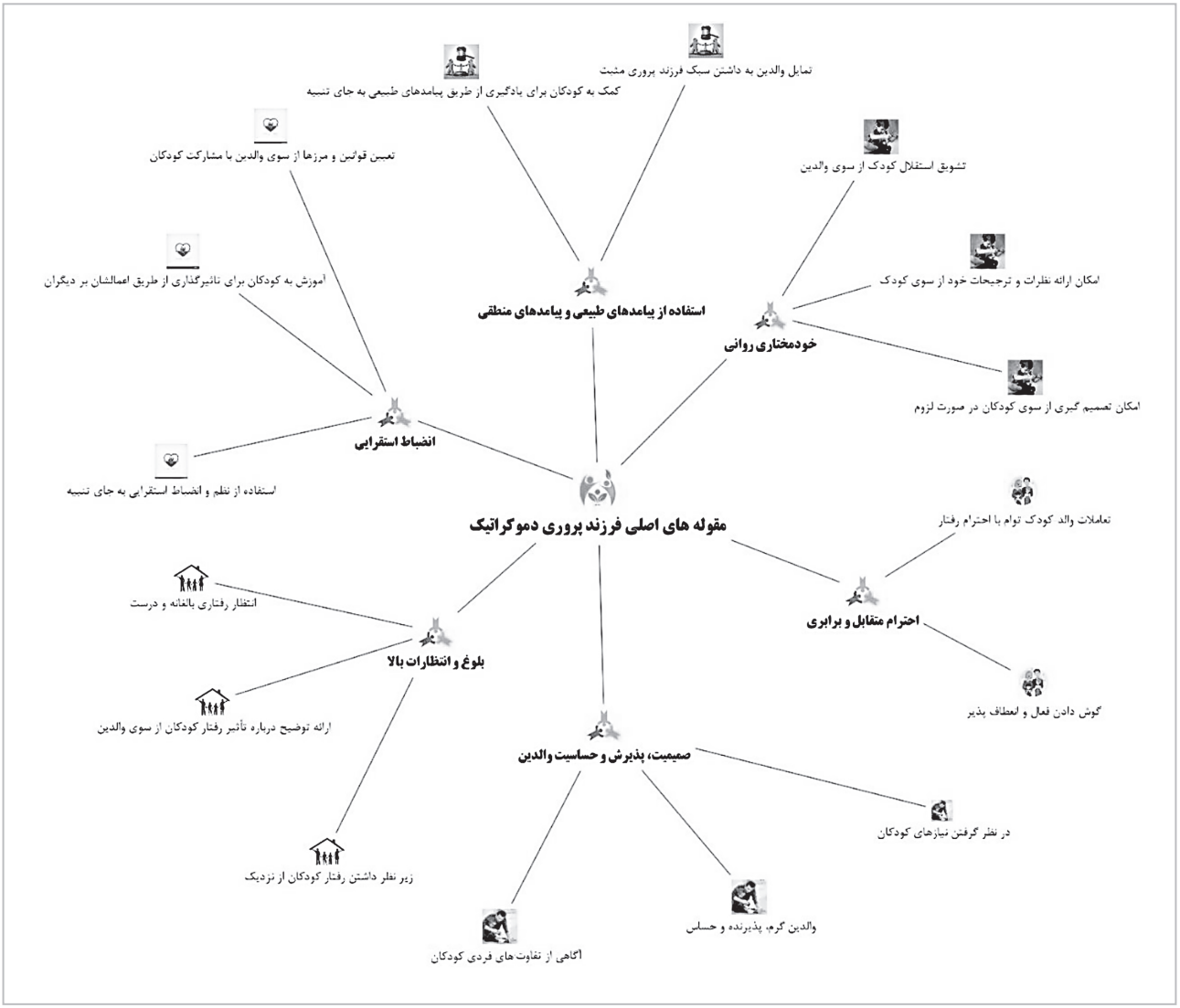

کرد. در تبیین این مضمون می‌توان گفت که در فرزند پروری مثبت، کسی بر کسی دیگر ارجحیت ندارد و برابری با اذعان به اینکه، نیازها، نظرات و مشارکت‌های هر یک از اعضای خانواده به یک اندازه مهم هستند، حمایت می‌شود و از اینکه صدای کودکان شنیده می‌شود و در بحث‌ها و تصمیمات جلسات خانوادگی و فرایندهای حل مشکل مشارکت دارند، اطمینان حاصل می‌شود و والدین با ایجاد تعادل در احترام و راهنمایی، محیطی را ایجاد می‌کنند که از رشد، استقلال و بهزیستی کودکان حمایت می‌کنند و باعث کاهش نشانه‌های اختلال نافرمانی مقابله‌ای می‌گردند (۲۸).

مضمون دوم پژوهش"استفاده از پیامدهای طبیعی و پیامدهای منطقی" است. در این مضمون به خانواده‌ها آموزش داده می‌شود که در فرزندپروری مثبت بر رویکرد مشارکتی و احترام‌آمیز برای فرزندپروری تأکید شود و والدین، فرزندان خود را در فرایندهای تصمیم‌گیری مشارکت دهند و به‌جای تحمیل قوانین یا مجازات سخت‌گیرانه، راهنمایی کنند (۳۰). پیامدهای طبیعی چیزهایی هستند که در پاسخ به رفتار کودکان بدون دخالت والدین اتفاق می‌افتند و پیامدهای منطقی در نتیجه اقدامات کودک و توسط والدین انجام می‌شود. در پیامدهای منطقی، والدین قبلاً عواقب کار را با کودکان مورد بحث قرار می‌دهند و در مورد پیامدهای آن به توافق می‌رسند (۳۵). یافته‌های پژوهش اوریان و گاستیل (۲۰۱۳) (۷۱) با یافته‌های این مضمون از پژوهش همسو بوده و به تبیین فواید پیامدهای طبیعی شامل: یادگیری در زندگی واقعی، مالکیت اعمال، خوداندیشی و حل مسئله و فواید پیامدهای منطقی شامل: آموزش مسئولیت‌پذیری، ترویج رفتار مثبت و حفظ یک رابطه

[Downloaded from exceptionaleducation.ir on 2026-11-24]

محترمانه می‌پردازند. در تبیین این مضمون می‌توان گفت: پیامدها، فرصت‌هایی را برای کودکان فراهم می‌کنند تا نتایج واقعی انتخاب‌های خود را تجربه کنند و به آنها کمک می‌کند تا مهارت‌های مهم زندگی و تفکر انتقادی را توسعه دهند. آنها با تجربه‌ی پیامدهای رفتار خود، یاد می‌گیرند که مسئولیت اعمال خود را بپذیرند و درک کنند که انتخاب‌های آنها پیامدهای مستقیم دارد. پیامدها، کودکان را ترغیب می‌کنند تا در مورد اعمال خود فکر کنند، بین علت و معلول ارتباط برقرار کنند و مهارت‌های حل مسئله را برای جلوگیری از پیامدهای منفی در آینده توسعه دهند.

مضمون سوم "خودمختاری روانی" است که به توانایی کودک در ایجاد حس استقلال، اتکاء به خود و مسئولیت در قبال افکار، اعمال و احساسات خود اشاره دارد. فرزندپروری مثبت، والدین را تشویق می‌کند تا با فراهم آوردن فرصت‌هایی برای تصمیم‌گیری، حل مشکلات و بر عهده گرفتن مسئولیت‌های مناسب با سن و رشد، از فرزندان خود در ایجاد استقلال روانی حمایت کنند. آموزش این مضمون به والدین سبب می‌شود، آنها به کودکان کمک کنند تا حس شایستگی و اعتماد به توانایی‌های خود را تقویت کنند. این مهم در زندگی، موفقیت‌های آتی را در کودکان تسهیل می‌کند (۴۲). درواقع، فرد خودمختار، به معنای واقعی به‌دنبال این است که، رویدادهای محیط اطراف، اعمال او را تعیین نکنند، بلکه خودش قدرت انتخاب داشته باشد. وقتی فرد توانایی انتخاب و اراده را در اختیار داشته باشد، به‌واقع خودمختاری را تجربه می‌نماید و احساس می‌کند که عامل اصلی در رفتار و تصمیم‌گیری، خودش است که با پژوهش دسی[1] و همکاران (۲۰۰۱) (۴۳) همسو می‌باشد.

مضمون چهارم پژوهش "انضباط استقرایی" است. انضباط استقرایی در فرزندپروری مثبت به رویکردی انضباطی اشاره دارد که بر استدلال، توضیح و آموزش پیامدهای اعمال به کودکان تأکید دارد (۴۱). در این مضمون از فرزندپروری مثبت، هنگامی‌که کودکان بدرفتاری می‌کنند یا مرتکب اشتباه می‌شوند، والدین با استفاده از انضباط استقرایی از این فرصت استفاده می‌کنند تا درک کودکان را از تأثیر رفتار خود بر دیگران ارتقاء بخشند و به آنها کمک کنند، همدلی و مهارت‌های حل مسئله را توسعه دهند. انضباط استقرایی به‌جای توسل به اقدامات تنبیهی یا قوانین سخت‌گیرانه، بر پرورش احساس مسئولیت و درک در کودکان تمرکز دارد. یافته‌های سوئننس[2] و همکاران (۲۰۰۷) (۴۰) مؤید این است که والدین در فرزندپروری مثبت، باید دلایل پشت قوانین منطقی در خانه یا انتظارات خاص را توضیح دهند، در مورد پیامدهای اعمال با کودکان بحث و تبادل‌نظر کنند، و با فرزندان خود، برای یافتن راه‌حل‌های مورد توافق طرفین همکاری نمایند.

مضمون پنجم از برنامه آموزش والدین، "بلوغ و انتظارات بالا" است. بلوغ به آمادگی عاطفی، روانی و فکری والدین برای مقابله با چالش‌ها و مسئولیت‌های فرزندپروری اشاره دارد که شامل توانایی تصمیم‌گیری آگاهانه، نشان دادن خودکنترلی و فراهم کردن محیطی پایدار برای کودکان است. بلوغ در فرزندپروری با چندین پیامد مثبت، مانند بهبود روابط والدین و فرزند، افزایش ارتباطات و حل مؤثر مشکلات همراه است (۲۹). با آموزش این مضمون، والدین با رفتاری بالغانه به توانایی‌های فرزندان خود اعتقاد دارند و آنها را تشویق می‌کنند که انتظارات بالایی از خود داشته باشند. آنها راهنمایی و کمک می‌کنند تا کودکان، مهارت‌ها و دانش مورد نیاز برای برآورده کردن این انتظارات را توسعه دهند (۳۰) و به‌جای تمرکز صرف بر نتیجه، بر تلاش و رشد خود تمرکز کنند. آنها پشتکار و پیشرفتی را که فرزندانشان از خود نشان می‌دهند، تشخیص داده و قدردانی می‌کنند. یافته‌های پژوهش بامریند (۱۹۹۱) (۳۱) با یافته‌های این مضمون همسو بوده و تأکید می‌نماید، والدین دستاوردهای فرزندان خود را بدون در نظر گرفتن اندازه آنها به رسمیت بشناسند. با این کار، والدین اهمیت توقعات بالا را روشن ساخته، تلاش مداوم را تشویق کرده و عزت‌نفس کودکان را تقویت می‌نمایند.

مضمون ششم پژوهش "صمیمیت، پذیرش و حساسیت، والدین" است که در آن با تأکید بر جلب مشارکت کودکان، تعیین مرزهای واضح برای رفتارها، توجه به تفاوت‌های فردی کودکان و نیازهای آنها و استفاده از اشتباهات برای یادگیری، زمینه آموزش به‌صورت مثبت برای والدین و کودکان فراهم می‌گردد و به کودکان کمک می‌شود تا از اشتباهات نهراسند و از آنها یاد بگیرند، درک عمیق‌تری از خودشان داشته باشند و راه‌حل‌های بهتر برای مواجهه با چالش‌ها پیدا کنند (۳۲). پژوهش علیزاده و همکاران (۲۰۱۹)، (۵) همسو با یافته‌های پژوهش در این مضمون، از جمله مفیدترین راهبردها برای درمان اختلال نافرمانی مقابله‌ای را، مسئولیت‌پذیری و همدلی، ایجاد قوانین واضح، مشارکت کودک، توجه به نیازهای کودکان،

1. Deci
2. Soenens

[Downloaded from exceptionaleducation.ir on 2026-11-24]

توجه به تفاوت‌های فردی، پذیرش کامل نبودن و ایجاد احساس تعلق می‌دانند. در تبیین کلی یافته‌ها می‌توان عنوان کرد که در فرزندپروری مثبت، برگرفته از رویکرد آدلر-درایکورس، چنین فرض می‌شود که قسمت زیادی از بدرفتاری کودکان و نوجوانان، از محیط خانه و خانواده آغاز می‌شود و به‌وسیله آن محیط، تداوم پیدا می‌کند. بدین ترتیب این نتیجه به دست می‌آید که مداخله در این بافت، روش ایده‌آلی برای پیشگیری و نیز درمان خواهد بود؛ افزون براین برای متخصصان گرایش‌های نظری معلوم شده است که واقعیت زیست‌شناختی پدر و مادر بودن به‌خودی‌خود مهارت‌های مؤثر پرورش کودک را به آنها اعطا نمی‌کند؛ لذا این رویکرد با بهبود روابط والد و فرزند می‌تواند سطح رفتارهای تکانشی را کاهش دهد. می‌توان گفت برنامه آموزش والدین تدوین‌شده از طریق مجهز ساختن بهتر والدین با مهارت‌های انضباطی مؤثر برای مدیریت چالش‌های فعلی فرزندپروری و افزایش خودکارآمدی و خودتنظیمی والدین برای شکل دادن به رفتارهای فرزندانشان و تحریک تعاملات مثبت والد-کودک و بهبود مهارت‌های ارتباطی مؤثر (مانند گوش‌دادن فعال و استفاده از راهبردهای سازگارانه‌ی حل تعارض) منجر به بهبود مشکلات مرتبط با مهارت‌های اجتماعی کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای می‌شود.

از محدودیت‌های این پژوهش، تعداد پایین مقالاتی بود که مستقیم به بررسی فرزندپروری مثبت بر کودکان نافرمانی مقابله‌ای، پرداخته بودند. اغلب پژوهش‌ها به‌طور هم‌زمان اختلال نافرمانی مقابله‌ای و سلوک را مورد بررسی قرار داده بودند؛ زیرا در نسخه‌های قدیمی راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی، تشخیص کودکان به‌صورت هم‌زمان به هر دو اختلال منع‌شده بود و اختلال سلوک را اختلال جدی‌ترِ اختلال نافرمانی مقابله‌ای در نظر می‌گرفتند (۷).

از آنجایی‌که پژوهش حاضر از منابع معتبر سنتز شده و دربرگیرنده مؤلفه‌های اصلی فرزندپروری مثبت می‌باشد، پیشنهاد می‌شود برنامه‌ی تدوین‌شده از سوی سازمان‌ها و مراکز ذی‌ربط برای توانمندسازی خانواده‌های کودکان با اختلال نافرمانی مقابله‌ای مورد توجه قرار گیرد.

بیانیه: این مقاله برگرفته از رساله دکتری نویسنده اول مقاله در رشته روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنائی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز می‌باشد و از نظر اخلاقی به تأیید کمیته اخلاق با شناسه IR. IAU. CTB. REC. 1402. 066 رسیده است.

تشکر و قدردانی: از اساتید، خانواده‌ها و تمامی کسانی که با صبر و بردباری در حصول نتیجه این پژوهش یاری کردند، قدردانی می‌گردد.

تضاد منافع: نویسندگان اعلام می‌کنند هیچ‌گونه تضاد منافعی ندارند.

References

1. Burke JD, Romano-Verthelyi AM. Oppositional defiant disorder. Developmental pathways to disruptive, impulse-control and conduct disorders: Elsevier; 2018. p. 21-52. https: //doi. org/10. 1016/B978-0-12-811323-3. 00002-X.
2. Pal P, Mahour P, Arya A, Agrawal VJJoIAfC, Health AM. A study on Theory of Mind among adolescents with Oppositional Defiant Disorder. 2021;17(4): 115-32. https: //journals. sagepub. com/doi/10. 1177/0973134220210408.
3. Hawes DJ, Gardner F, Dadds MR, Frick PJ, Kimonis ER, Burke JD, et al. Oppositional defiant disorder. 2023;9(1): 31. https: //www. nature. com/articles/s41572-023-00441-6.
4. Chen H, He T, Xu M, Zhao J, Li L, Lin XJCCP, et al. Children's oppositional defiant disorder symptoms make parents difficult to be nice: Longitudinal association among parent emotion regulation, child emotion regulation and children's oppositional defiant disorder symptoms in Chinese children with oppositional defiant disorder. 2022;27(4): 1155-69. https: //journals. sagepub. com/doi/abs/10. 1177/13591045211055822.
5. Alizadeh H, Elmpak M, Little RJ, Choobdary AJTJoIP. Social interest in children with and without oppositional defiant disorder. 2019;75(3): 245-55. https: //muse. jhu. edu/article/742047.
6. Weis R. Introduction to abnormal child and adolescent psychology: Sage publications; 2020
7. Frick PJ, Nigg JT. Current issues in the diagnosis of attention deficit hyperactivity disorder, oppositional defiant disorder, and conduct disorder. Annual review of clinical psychology. 2012;8: 77-107. eng. ^https: // doi. org/10. 1146/annurev-clinpsy-032511-143150.
8. Fucà E, Cirillo F, Celestini L, Alfieri P, Valentini D, Costanzo F, et al. Assessment of oppositional defiant disorder and oppositional behavior in children and adolescents with Down syndrome. 2023;13: 1062201. https: //doi. org/10. 3389/fpsyt. 2022. 1062201.
9. Boland R, Verduin M. Kaplan & Sadock's Concise Textbook of Clinical Psychiatry: Lippincott Williams & Wilkins; 2021
10. Cohn AM, Adesman A. Oppositional defiant disorder and conduct disorder. In: Adler LA, Spencer TJ, Wilens TE, editors. Attention-Deficit Hyperactivity

[Downloaded from exceptionaleducation.ir on 2026-11-24]

Disorder in Adults and Children. Cambridge: Cambridge University Press; 2015. p. 139-49. https: //www. cambridge. org/core/books/attentiondeficit-hyperactivity-disorder-in-adults-and-children/oppositional-defiant-disorder-and-conduct-disorder/95C3BA347C8C0439614A4CFC493DA160.
11. Burke JD, Butler EJ, Blanchard L. Oppositional defiant disorder. In: Friedman HS, Markey CH, editors. Encyclopedia of Mental Health (Third Edition). Oxford: Academic Press; 2023. p. 683-91. https: //www. sciencedirect. com/science/article/pii/B9780323914970001132.
12. Tseng W-L, Kawabata Y, Gau SS-FJCP, Development H. Social adjustment among Taiwanese children with symptoms of ADHD, ODD, and ADHD comorbid with ODD. 2011;42: 134-51. https: //link. springer. com/article/10. 1007/s10578-010-0204-3.
13. Lindemann MD. Oppositional Defiant Disorder through an Adlerian Lens: In Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of Masters of Arts in Adlerian Counseling and Psychotherapy 2011.
14. Qu XJTJoIP. Adlerian identity development from a Classical Adlerian perspective. 2022;78(1): 145-51. https: //muse. jhu. edu/article/848361.
15. Jones-Smith E. Theories of counseling and psychotherapy: An integrative approach, 2nd ed. Thousand Oaks, CA, US: Sage Publications, Inc; 2016 xxxix, 783-xxxix, p
16. Kottman T, Meany-Walen K. Partners in play: An Adlerian approach to play therapy, 3rd ed. Alexandria, VA, US: American Counseling Association; 2016 xix, 404-xix, p
17. Carlson J, Watts RE, Maniacci M. Adlerian therapy: Theory and practice: American Psychological Association; 2006
18. Kolko DJ, Dorn LD, Bukstein O, Burke JDJJoC, Studies F. Clinically referred ODD children with or without CD and healthy controls: Comparisons across contextual domains. 2008;17: 714-34. https: //link. springer. com/article/10. 1007/s10826-007-9186-6.
19. Lavigne JV, Dahl KP, Gouze KR, LeBailly SA, Hopkins JJCP, Development H. Multi-domain predictors of oppositional defiant disorder symptoms in preschool children: cross-informant differences. 2015;46: 308-19. https: //link. springer. com/article/10. 1007/s10578-014-0472-4.
20. Burke JD, Loeber R, Birmaher B. Oppositional defiant disorder and conduct disorder: a review of the past 10 years, part II. Journal of the American Academy of Child and Adolescent Psychiatry. 2002;41(11): 1275-93. eng. ^https: //www. jaacap. org/article/S0890-8567(09)60633-X/abstract.
21. Oberst UE, Stewart AE. Adlerian psychotherapy: An advanced approach to individual psychology: Routledge; 2014
22. Erbaş MM. Adlerian Therapy: A General Review. 2023https: //ijiape. penpublishing. net/makale/3855.
23. Climie EA, Mitchell K. Parent-child relationship and behavior problems in children with ADHD. International Journal of Developmental Disabilities. 2017;63(1): 27-35. https: //doi. org/10. 1080/20473869. 2015. 1112498.
24. Liu B, Yang Y, Geng J, Cai T, Zhu M, Chen T, et al. Harsh Parenting and Children's Aggressive Behavior: A Moderated Mediation Model. Int J Environ Res Public Health. 2022;19(4)eng. ^https: //www. mdpi. com/1660-4601/19/4/2403.
25. Huang W, Weinert S, von Maurice J, Attig M. Specific parenting behaviors link maternal education to toddlers' language and social competence. Journal of family psychology: JFP: journal of the Division of Family Psychology of the American Psychological Association (Division 43). 2022;36(6): 998-1009. eng. ^https: //psycnet. apa. org/record/2022-21182-001.
26. Ginott HG. Between parent and child: New solutions to old problems. Oxford, England: Macmillan; 1965 223- p
27. Hart S, Hodson VK. Respectful parents, respectful kids: 7 keys to turn family conflict into cooperation: PuddleDancer Press; 2006
28. Dreikurs R, Grunwald BB, Pepper FC. Maintaining Sanity In The Classroom: Classroom Management Techniques. Alizadeh H, Roohi A. «Persian translator». 2nd edition. Tehran: Danjeh; 2013. 31-49
29. Rispoli KM, McGoey KE, Koziol NA, Schreiber JBJJosp. The relation of parenting, child temperament, and attachment security in early childhood to social competence at school entry. Journal of School Psychology. 2013;51(5): 643-58. https: //doi. org/10. 1016/j. jsp. 2013. 05. 007.
30. Dreikurs R, Soltz V. Children: the challengeeng. [1st ed.]. New York: Hawthorn Books, Inc. , Pub New York; 1964. x, 335 pages 21 cm
31. Baumrind D. The Influence of Parenting Style on Adolescent Competence and Substance Use. 1991;11(1): 56-95. https: //journals. sagepub. com/doi/abs/10. 1177/0272431691111004.
32. Dweck CS. Mindset: The new psychology of success: Random house; 2006
33. Razif M, Sudarningsih S. Pola Asuh Anak di Tempat Penitipan Anak (Studi Kasus di Perusahaan Pt. tpp Kecamatan Lirik): Riau University; 2015.
34. Adawiah R, editor Parenting Style and Its Implication to Children's Education. 1st International Conference on Social Sciences Education-" Multicultural Transformation in Education, Social Sciences and Wetland Environment"(ICSSE 2017); 2017: Atlantis Press. https: //www. atlantis-press. com/proceedings/icsse-17/25889502.
35. Nelsen J, Lott L. Positive Discipline for Teenagers: Empowering Your Teens and Yourself Through Kind and Firm Parenting. Alizadeh H, Soheili F. «Persian translator». 3rd Edition. Tehran: Roshd; 2012. PP: 13-17
36. Chao RC-L. Counseling psychology: An integrated positive psychological approach: John Wiley & Sons; 2015

[Downloaded from exceptionaleducation.ir on 2026-11-24]

37. Watkins CE. The Individual Psychology of Alfred Adler: Toward an Adlerian vocational theory. Journal of Vocational Behavior. 1984;24(1): 28-47. https: //www. sciencedirect. com/science/article/pii/0001879184900642.
38. Watts R. Entering the new millennium: Is Individual Psychology (i. e. , Adlerian Psychology) still relevant? Journal of Individual Psychology. 2000;56: 21-30. https: //www. adlerpedia. org/people/148#resources.
39. Alegre AJTFJ. Parenting styles and children's emotional intelligence: What do we know? 2011;19(1): 56-62. https: //journals. sagepub. com/doi/abs/10. 1177/1066480710387486.
40. Soenens B, Vansteenkiste M, Lens W, Luyckx K, Goossens L, Beyers W, et al. Conceptualizing parental autonomy support: adolescent perceptions of promotion of independence versus promotion of volitional functioning. Developmental Psychology. 2007;43(3): 633. https: //doi. org/10. 1037/0012-1649. 43. 3. 633.
41. Grusec JE, Goodnow JJJDp. Impact of parental discipline methods on the child's internalization of values: A reconceptualization of current points of view. Developmental Psychology. 1994;30(1): 4-19. https: //doi. org/10. 1037/0012-1649. 30. 1. 4.
42. Kern RM, Rasmussen PR, Curlette WLJTJoIP. Parenting from the Individual Psychology Perspective: Obstacles, Challenges, Culture, and Psychoeducational Programs. The Journal of Individual Psychology. 2014;70(2): 87-8. https: // muse. jhu. edu/article/545210.
43. Deci EL, Ryan RM, Gagné M, Leone DR, Usunov J, Kornazheva BPJP, et al. Need satisfaction, motivation, and well-being in the work organizations of a former eastern bloc country: A cross-cultural study of self-determination. Personality and Social Psychology Bulletin. 2001;27(8): 930-42. https: //doi. org/10. 1177/0146167201278002.
44. Carlson J, Englar-Carlson M. Adlerian Psychotherapy: American Psychological Association; 2017. http: // www. jstor. org/stable/j. ctv1chs76r
45. Riany YE, Haslam DM, Sanders MJJoC, Studies F. Parental mood, parenting style and child emotional and behavioural adjustment: Australia-Indonesia cross-cultural study. Journal of Child and Family Studies. 2021: 1-13. https: //link. springer. com/article/10. 1007/s10826-021-02137-5.
46. Gottman JM, Declaire J. Raising an emotionally intelligent child: The heart of parenting: Simon & Schuster New York, NY; 1997
47. Dreikurs R. Psychology in the classroom; a manual for teachers. Oxford, England: Harper; 1957 xvi, 237-xvi, p
48. Dreikurs R, Cassel P, ferguson ED. Discipline without Tears: How to Reduce Conflict & Establish Cooperation in the Classroom. Roohi A, Alizadeh H. «persian translator». Revised Edition. Tehran: Ravan; 2004. 30-40
49. Lin X, He T, Heath M, Chi P, Hinshaw S. A Systematic Review of Multiple Family Factors Associated with Oppositional Defiant Disorder. Int J Environ Res Public Health. 2022;19(17)eng. ^https: //www. mdpi. com/1660-4601/19/17/10866.
50. Witt PH. Book Section: Essay and Review: Antisocial Behavior in Children and Adolescents: A Developmental Analysis and Model for Intervention. The Journal of Psychiatry & Law. 2003;31(2): 227-30. https: //doi. org/10. 1177/009318530303100205.
51. Azeredo A, Moreira D, Barbosa FJRidd. ADHD, CD, and ODD: Systematic review of genetic and environmental risk factors. Research in Developmental Disabilities. 2018;82: 10-9. https: //doi. org/10. 1016/j. ridd. 2017. 12. 010.
52. Boden JM, Crossin R, Cook S, Martin G, Foulds JA, Newton-Howes GJJoAH. Parenting and home environment in childhood and adolescence and alcohol use disorder in adulthood. Journal of Adolescent Health 2021;69(2): 329-34. https: //doi. org/10. 1016/j. jadohealth. 2020. 12. 136.
53. Adler A, Brett C. Understanding life: An introduction to the psychology of Alfred Adler. USA: Oneworld Publications; 1997
54. Benjamin GW. Adlerian-based parenting education in Little Haiti: An action research: Union Institute and University; 2004
55. Frank ML, Shoshana AJTJoIP. " It was a kind of togetherness feeling": An exploration of social interest in early recollections. The Journal of Individual Psychology. 2019;75(1): 42-57. https: //muse. jhu. edu/article/717143.
56. Lillard AS. Montessori: The science behind the genius: Oxford University Press; 2017
57. Alizadeh H, Esmaeili K, Soheili F. Psychometric characteristics (factorial structure and reliability) of Social Interest Scale for Iranian Children Ageing 4-12. Journal of Educational Measurement. 2015;19: 147-65. [persian]. ^https: //doi. org/10. 22054/jem. 2015. 3971.
58. Lin X, Li L, Heath MA, Chi P, Xu S, Fang XJFp. Multiple levels of family factors and oppositional defiant disorder symptoms among Chinese children. Family Process. 2018;57(1): 195-210. https: //doi. org/10. 1111/famp. 12269.
59. Murrihy RC, Drysdale SAO, Dedousis-Wallace A, Rémond L, McAloon J, Ellis DM, et al. Community-Delivered Collaborative and Proactive Solutions and Parent Management Training for Oppositional Youth: A Randomized Trial. Behavior Therapy. 2023;54(2): 400-17. https: //www. sciencedirect. com/science/article/pii/S0005789422001344.
60. Khabbaz M, Alizadeh H, Delavar A, Ebrahimi Ghavam S. Developing a Social Interest Fostering Program (Parent-Child) and Examining Its Impact on Social Interest of Students with Oppositional Defiant Disorder. Journal of Studies in Learning & Instruction. 2017;8: 122-42. [persian]. ^https: //jsli. shirazu. ac. ir/article_3976. html.

[Downloaded from exceptionaleducation.ir on 2026-11-24]

61. Izza N, Mariyati LIJIJoEMD. The Relationship between Democratic Parenting Style and School Readiness among First-grade Students. Journal of Education Methods Development. 2023;21(3)https: // doi. org/10. 21070/ijemd. v21i3. 749.
62. Ulfa DM, Mujidin M, Diponegoro AMJJPT. Football Fan Aggression: The Role of Democratic Parenting and Emotion Regulation. jurnal psikologi talenta. 2022https: //doi. org/10. 26858/talenta. v8i1. 36565.
63. Febiyanti A, Rachmawati Y, editors. Is authoritative parenting the best parenting style? 5th International Conference on Early Childhood Education (ICECE 2020); 2021: Atlantis Press. https: //www. atlantis-press. com/proceedings/icece-20/125954495.
64. Li I, Clark DA, Klump KL, Burt SAJJoFP. Parental involvement as an etiological moderator of middle childhood oppositional defiant disorder. Journal of Family Psychology. 2017;31(6): 659. https: //doi. org/10. 1037/fam0000311.
65. Speltz ML, De Klyen M, Greenberg MT, Dryden MJJoACP. Clinic referral for oppositional defiant disorder: Relative significance of attachment and behavioral variables. Journal of abnormal child psychology. 1995;23: 487-507. https: //pubmed. ncbi. nlm. nih. gov/7560558/.
66. Hedges L, Cooper HJThors, meta-analysis. Research synthesis as a scientific process. Russell Sage Foundation. 2009;1(3): 4-7.
67. Short EC. Forms of curriculum inquiry: SUNY Press; 1991
68. Petticrew M, Roberts H. Systematic reviews in the social sciences: A practical guide: Oxford, UK: Blackwell. ; 2006
69. White M, Marsh E. Content Analysis: A Flexible Methodology. Library Trends. 2006;55https: //muse. jhu. edu/article/202361.
70. Miklikowska M, Hurme HJEJoDP. Democracy begins at home: Democratic parenting and adolescents' support for democratic values. European Journal of Developmental Psychology 2011;8(5): 541-57. https: //doi. org/10. 1080/17405629. 2011. 576856.
71. Oryan S, Gastil JJIRoE. Democratic parenting: paradoxical messages in democratic parent education theories. International Review of Education. 2013;59: 113-29. https: //doi. org/10. 1007/s11159-013-9351-7.
72. Lindquist TG, Watkins KLJTJoIP. Modern approaches to modern challenges: A review of widely used parenting programs. The Journal of Individual Psychology. 2014;70(2): 148-65. https: //muse. jhu. edu/article/545215.
73. Lyon CHJP, Education. Democratic parent engagement: Relational and dissensual. Power and Education. 2018;10(2): 195-208. https: //doi. org/10. 1177/1757743818756913.
74. Meral GYJSiP. Investigation of the effects of authoritarian vs. democratic parental attitudes, and parental attachment on shame and guilt by quasi-experimental method. Studies in Psychology. 2018;38(2): 95-127. https: //doi. org/10. 26650/SP404167.
75. Anggraeni ND, Jayanti M, Syahrizal F, editors. The Concept of Democratic Parenting and Impact for Elementary School Ages. Social, Humanities, and Educational Studies (SHES): Conference Series; 2019. https: //doi. org/10. 20961/shes. v2i1. 38196.
76. Pinjai P, Damrongpanit SJEJoER. Effects of Democratic Parenting and Teaching Activities on High School Students' Global Citizenship: A Multilevel Structural Equation Model with Student Factors as Mediators. European Journal of Educational Research. 2020;9(4): 1569-80. https: //doi. org/10. 12973/eu-jer. 9. 4. 1569.
77. Septani U, Kurniawan H, editors. Model Of Democratic Parenting In Family Education. International Conference of Early Childhood Education in Multiperspectives; 2022. https: //proceedings. uinsaizu. ac. id/index. php/icecem/article/view/186.
78. Sukmandari NMA, Triana KY, Prihandini CWJJIdTK. The Development of Preschool Children Related to Democratic Parenting. Jurnal Ilmu dan Teknologi Kesehatan. 2022;9(2): 240-52. https: //doi. org/10. 32668/jitek. v9i2. 771.
79. Sahureka PAM, Soetjiningsih CHJJBdKT. Democratic Parenting and Emotional Intelligence: A Study on Teenagers from Divorced Families. Jurnal Bimbingan dan Konseling Terapan 2023;7(2): 118-24. http: //dx. doi. org/10. 30598/jbkt. v7i2. 1853.
80. Wibowo ULN, Rumani DD, Rusdyansyah A, Kuntadi CJDIJoEM, Science S. The Influence of Parenting Style on the Formation of Disciplinary Character of Cadets: Literature Review. Dinasti International Journal of Education Management and Social Science. 2023;4(5): 716-24. https: //dinastipub. org/DIJEMSS/article/view/1904.
81. Harahap K, Sahputra DJSJPIdM. Democratic Parenting of Single-Parent Men and Women in Instilling Social Interaction in Children. Jurnal Pendidikan Islam dan Multikulturalisme. 2023;5(2): 95-109. https: //doi. org/10. 37680/scaffolding. v5i2. 2774.
82. Rubio DM, Berg-Weger M, Tebb SS, Lee ES, Rauch SJSwr. Objectifying content validity: Conducting a content validity study in social work research. Social Work Research. 2003;27(2): 94-104. https: //doi. org/10. 1093/swr/27. 2. 94.
83. Polit DF, Beck CTJRin, health. The content validity index: are you sure you know what's being reported? Critique and recommendations. Research in Nursing &Health. 2006;29(5): 489-97. https: //doi. org/10. 1002/nur. 20147.

[Downloaded from exceptionaleducation.ir on 2026-11-24]